

صهیونیسم / اسرائیل ۲

یک قرن مبارزه

یهود علیه صهیونیسم

تهدیدی از درون

نوشته

یاکوب رابکین

ترجمه

عبدالرسول دیانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

ویراستار علمی

محمد دهدشتی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۹

Rabkin, Yakov M.

رابکین، یاکوب ام.
یک قرن مبارزه یهود علیه صهیونیسم: تهدیدی از درون / نوشته یاکوب رابکین؛ ترجمه عبدالرسول دیانی. - تهران:
امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۴۱۱ ص.

صهیونیسم / اسرائیل: ۲.

ISBN 978-964-00-1312-0

Au nom de la Torah.

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی:

A threat from within: a century of Jewish Opposition to Zionism این کتاب از متن انگلیسی با عنوان
به فارسی ترجمه شده است.
واژه‌نامه.
کتابنامه.
نمایه.

۱. صهیونیسم. ۲. صهیونیسم و یهودیت. الف. دیانی، عبدالرسول، ۱۳۴۲ - مترجم.
۱۳۸۹ ی ۸ ۱۴۹/ DS
کتابخانه ملی ایران
۳۲۰/۵۴۰۹۵۶۹۴
۲۰۰۰۷۳۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۳۱۲-۰

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Yakov M. Rabkin, *A Century of Jewish Opposition to Zionism*. Canada:
Zed Books, 2006.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵۴۱۹۱

یک قرن مبارزه یهود علیه صهیونیسم (تهدیدی از درون)

© حق چاپ: ۱۳۸۹، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

نویسنده: یاکوب رابکین

مترجم: دکتر عبدالرسول دیانی

ویراستار علمی: محمد دهدشتی

صفحه‌آرا: امیرحسین حیدری

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۴ روی ۱۲ پوینت

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان این سینا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری،
اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و
مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

پیشگفتار ناشر

این کتاب به قلم یکی از اساتید یهودی دانشگاه‌های کانادا، با استناد به متون یهودیت و دیدگاه‌های اندیشمندان مذهبی و فرهنگی یهود و همچنین استفاده از اسناد و شواهد تاریخی، به طرز ی‌باورنکردنی اثبات می‌کند که ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر باور و پیروی از یهودیت نه تنها درست نیست بلکه از زمان تأسیس تاکنون عملاً در نفی، تحقیر و خیانت به یهودیت و یهودیان حرکت کرده‌اند.

صهیونیست‌ها از کنفرانس بال تاکنون به هر دستاویزی متوسل شده‌اند تا خود را تنها نماینده و حامی انحصاری یهودیان دانسته و هر نگاه منتقد و مخالف خود را چه در دایره یهودیت و چه خارج از آن به هر شیوه ممکن، حذف فیزیکی یا شخصیتی کنند. استفاده ابرزاری از متون مذهبی و رویدادهای تاریخی یهودیان، شبیه‌سازی‌های تصنعی از همه نمادهای یهودیت در جهت منافع خویش، طرد یهودیان غیرصهیونیست، همکاری‌های تاکتیکی با هر شخص، گروه، مذهب و کشور در جهت دستیابی به اهداف و سپس خیانت به هر کس و هر جریان برحسب اقتضا، برپایی شورش‌ها، جنگ‌ها، کشتارها و ترورها و نفی بلدها و ده‌ها عمل ضددینی و ضدانسانی دیگر تحت لوای آزادسازی یهودیان و استقرار در ارض موعود و احیای دولت اسرائیل؛ فریب بزرگ صهیونیسم بود که هنوز هم ادامه دارد.

طی یک قرن اخیر پیروان ادیان مختلف، دولت‌ها و سازمان‌ها، اندیشمندان و آزادی‌خواهان بسیاری از سراسر جهان به انحاء مختلف سعی در افشای چهره واقعی صهیونیست‌ها داشته و

دارند که تا حدی در کار خویش موفق بوده‌اند. اما طبعی است که ارزش کار هیچ‌یک از آنان به اندازه زدودن پرده فریب و نفاق توسط خودِ یهودیان از چهره صهیونیست‌ها مؤثرتر و کارسازتر نیست. بدون تردید با انتشار این کتاب به زبان فارسی فصل جدیدی از صهیونیسم‌شناسی در ایران آغاز شده و بررسی‌ها در این زمینه شتاب می‌گیرد، ان شاءالله.

فهرست

۹	مقدمه یوسف آقاسی.....
۱۳	مقدمه حاخام باروش هوروویتز.....
۱۵	مقدمه مترجم.....
۱۷	مقدمه نویسنده.....
۲۵	فصل اول چند نکته مقدماتی.....
۲۹	دین‌زدایی و همگون‌سازی.....
۳۴	تاریخ به‌عنوان میدان نبرد.....
۴۱	ضدصهیونیست‌ها و غیرصهیونیست‌ها.....
۵۳	فصل دوم یک هویت جدید.....
۵۴	از مسیح‌باوری تا ملی‌گرایی.....
۶۸	تولد یهودی دنیاطلب.....
۷۳	یک تحول ناتمام.....
۸۱	یهودی، عبری، اسرائیلی.....
۱۰۲	زبان عبری جدید و هویت سکولار.....
۱۱۵	فصل سوم سرزمین اسرائیل: تبعید و بازگشت.....
۱۲۰	گناه و تبعید.....
۱۲۶	تذکر مسیح‌باوران‌ه.....
۱۴۸	اقدام صهیونیست‌ها.....
۱۵۷	فصل چهارم استفاده از زور.....

۱۵۸.....	صلح دوستی مدون.....
۱۶۷.....	یهودیان روسیه: ناکامی و خشونت.....
۱۷۳.....	غرور و دفاع شخصی.....
۱۸۳.....	ملی گرایی دوگانه.....
۱۹۳.....	پیروزیهای اسرائیل.....
۲۱۱.....	ریشه های تروریسم.....
۲۱۹.....	فصل پنجم تشریک مساعی و محدودیت های آن.....
۲۲۲.....	مقاومت در مقابل صهیونیسم در سرزمین مقدس.....
۲۳۰.....	طرد صهیونیسم در دیاسپورا.....
۲۴۷.....	ارتباط با کشور.....
۲۶۰.....	کشور و صهیونیست.....
۲۶۷.....	فصل ششم صهیونیسم، هولوکاست و کشور اسرائیل.....
۲۶۸.....	فاجعه و دلایل آن.....
۲۷۷.....	صهیونیست ها و هولوکاست.....
۲۸۹.....	تولد مجدد معجزه وار یا نابودی ادامه دار؟.....
۳۰۵.....	فصل هفتم پیش بینی تخریب و استراتژی ها برای بقا.....
۳۰۸.....	کشور اسرائیل در تداوم یهودیت.....
۳۱۴.....	بحث های عمومی و محدودیت هایش.....
۳۲۵.....	وعده یا وعید؟.....
۳۴۵.....	سخن آخر.....
۳۵۴.....	پایان سخن.....
۳۵۵.....	تقدیر و سیاس.....
۳۵۹.....	بیوگرافی ها.....
۳۷۱.....	توضیح برخی واژه ها.....
۳۷۹.....	فهرست منابع.....
۳۹۵.....	منابع برای اطلاعات بیشتر از نویسندگان و محققان دانشگاهی.....
۳۹۷.....	نمایه.....

مقدمه یوسف آقاسی^۱

در اروپای قرن نوزده، مذهب در کنار پذیرش اصول حاکمیت غیردینی، به طور همزمان مورد عمل بسیاری از مردم بود. برخی دیگر، به جای مذهب، فقط به حاکمیت غیردینی عمل می کردند. بدین ترتیب، ملی گرایی توانست در قالب یک مذهب لائیک، دولت را به غولی میل کند که وحشیانه ترین جنایات قرن بیستم را بیافریند.

کتاب حاضر بحث از ملی گرایی را در خصوص کشور خودم یعنی اسرائیل نیز برانگیخته است. نویسنده می خواهد این اعتقاد که دولت اسرائیل حافظ منافع تمام یهودیان در سراسر جهان بوده و اینکه این کشور میهن طبیعی همه آنهاست، را به زیر سؤال ببرد. اصولاً نویسنده در صدد است بگوید که خود چنین اسطوره ای، یک اعتقاد ضدیهودی است. بسیاری از اسرائیلی ها این اسطوره را به نفع صهیونیسم دانسته، جانبدارانه می گویند ما نمی توانیم به استقلال واقعی برسیم مگر اینکه تمامی یهودیان پراکنده در دنیا را در اسرائیل گرد هم آوریم. در این راستا سؤال حیاتی برای یهودیان دنیا این است که آیا منافع دولت اسرائیل با منافع یهودیان جهان گره خورده، یا اینکه این منافع با هم در تضاد هستند؟ برای ایدئولوژی صهیونیستی طرح چنین سؤالی ممنوع است. بدتر از همه اینکه این ایدئولوژی بر این باور است که یهودستیزی و احساسات ضدیهودی در جهان اجتناب ناپذیر است و تنها خطه امن برای یهودیان دنیا، همین سرزمین اسرائیل است. این

۱. Yoseph Agassi عضو انجمن سلطنتی کانادا، دانشگاه تل آویو و دانشگاه یورک تورنتو کانادا

تصور کاملاً در تضاد با اصول مردم‌سالاری بوده به طریق اولی ارزش بیداری و رشد فکری یهودیان را در سراسر جهان کنونی نفی می‌کند. این اعتقاد فقط به‌نفع صهیونیست‌ها است که به دنبال توجیهی در جهت القا به یهودیان دنیا برای حمایت از دولت اسرائیل می‌گردند؛ حمایتی که بیشتر اوقات به هزینه منافع ملی کشورهای خواهد بود که آن یهودیان در آنجا زندگی می‌کنند. بسیاری از رهبران یهودیان غیرساکن در اسرائیل (دیاسپورا) برنامه بهتری ندارند جز اینکه از اسرائیل دفاع کنند، صرفاً با این استدلال مخدوش که «بالاخره کشور من است، چه به حق یا به ناحق».

دولت‌های اسرائیل نیز به‌مثابه رهبران جوامع یهودی ساکن در آبادی‌ها و محلات یهودی‌نشین شهرها عمل نموده و به‌منافع ساکنان غیریهودی اسرائیل پشت پا زده‌اند؛ امری که موجب شده اسرائیل همیشه در حال جنگ باشد، زیرا یک محله مجهز به قدرت نظامی، خیلی خطرناک خواهد بود.

این کتاب دلایل اهمیت مردود شمردن چنین اسطوره‌ای را به‌خوبی بیان می‌دارد. برای اینکه این اسطوره به‌خصوص، موجب شده بسیاری از افراد بومی اسرائیل، اصالت موضع جدید اتخاذ شده توسط حاخام‌های ضدصهیونیست را نپذیرند و نتوانند قبول کنند که این جبهه‌گیری در قبال صهیونیسم، دقیقاً موافق و مطابق با سنت‌های یهود است. شناسایی مشروع بودن ضدیت دینی با صهیونیسم، در بحث‌های مربوط به اسرائیل و صهیونیسم، مسئله بسیار مهمی است. باید گفت صهیونیست‌ها (اعم از یهودی و مسیحی) مشروعیت هرگونه حرکت ضدصهیونیستی را به‌کلی نفی می‌کنند، از این‌روست که این بحث تا به امروز، در نقطه خفه شده است.

اهمیت آشنایی با جریان‌ات و حرکت‌های ضدصهیونیستی که با محوریت تورات انجام می‌گیرد، بر کسی پوشیده نیست؛ غفلت از آن، قدرت‌بخشی به آیین گاو مقدس صهیونیسم امروزی است. این امر دربرگیرنده تزهایی نظیر محور قرار گرفتن دولت اسرائیل در زندگی تمام یهودیان جهان، و اینکه تنها حق دولت اسرائیل است که سخنگوی تمام یهودیان خارج از اسرائیل باشد، نیز می‌گردد. این عقیده باطل چنین وانمود می‌کند که یهودیان غیربومی اسرائیل حق هیچ‌گونه مخالفتی با هرگونه بیانیه و اعلام موضع رسمی دولت اسرائیل ندارند. اخیراً یک کنگره صهیونیستی هرگونه مخالفت با صهیونیسم، را با یهودستیزی تشبیه نموده است. اعلامیه مذکور برای بسیاری از یهودیان

سراسر جهان حتی یهودیان اسرائیل عواقب وخیمی را به همراه داشت. غیرم‌شروع قلمداد کردن کمترین تردید در مواضع رسمی دولت اسرائیل، مایهٔ ننگ و رسوایی است، و انتقاداتی که این کتاب در بر دارد، تنها باب تردیدها را در این خصوص گ‌شوده است.

نمی‌توان منکر اهمیت یک اندیشهٔ واضح، از بعد نظری و روشنفکرانه، به‌ویژه در امر توان ارائهٔ تفاوت‌های این دو مفهوم [یهودیت و صهیونیسم] بشویم. هر چند ممکن است اهمیت آن از بعد عملی وضوح کمتری داشته باشد. از این نقطه نظر است که این کتاب به‌ویژه به یک کتاب مفید مبدل می‌گردد. این کتاب با استناد به مدارک تاریخی مهم، و البته کمتر شناخته شده، تمایزی آشکار بین دو مفهوم یهودیت و صهیونیسم، ارائه داده است. همچنین بسیاری از مفاهیم مشابه مانند اسرائیل به‌عنوان یک دولت، یا به‌عنوان یک کشور، یا یک سرزمین، یا سرزمین مقدس یهودیان (اسرائیلی‌ها و دیگران)، از همدیگر تفکیک شده‌اند. اسرائیلی‌ها (یهودیان و غیریهودیان)، صهیونیست‌ها (یهودیان و مسیحیان)، ضدصهیونیست‌ها (اعم از یهودیان و مسیحیان) نیز در این کتاب به‌دقت از همدیگر متمایز گردیده‌اند. برای مثال وقتی سخن از کشور یهود به میان می‌آوریم، درحالی‌که منظورمان دولت اسرائیل است، مرتکب یک سردرگمی بسیار خطرناک میان ایمان مذهبی و ملی‌گرایی خواهیم شد.

برای مخالفت با استدلال‌های مذهبی دولت اسرائیل، نباید ضرورتاً فردی مذهبی بود. من شخصاً فردی مذهبی نیستم و شیوهٔ مرسوم بین روشنفکران اسرائیلی که فقط به‌دنبال عیب‌جویی از صهیونیسم و تاریخ آن‌ها هستند را نمی‌پسندم، بلکه من به‌عنوان یک شهروند اسرائیلی و به‌عنوان یک فیلسوف، معتقدم دامنهٔ بحث‌های ضدصهیونیستی برآمده از خود یهودیان، چه در مورد گذشته‌مان، چه در مورد حال یا آینده‌مان، را باید به مجامع عمومی و مردم کشاند؛ بحثی که امروز به‌شدت به آن نیازمندیم.

مقدمه^۱ حاخام باروش هوروویتز^۲

روایای تشکیل دولت اسرائیل بایستی مشکل یهود یعنی یهودستیزی را در جهان حل می‌کرد. بین بنیان‌گذاران و رهبران اسرائیل، ندای تمایل به عادی‌سازی ملت یهود به عنوان ملتی در کنار سایر ملت‌ها و محدود به سرزمین ملی را می‌شنیدیم، اما در کنار این ندا، آن‌ها درصدد تضعیف یا محو کلی جنبه‌های مذهبی و اخلاقی و نژادی کیان یهود نیز بودند.

از نظر بسیاری از رهبران گذشته و کنونی یهود، این تمایل بیانگر خطری در جهت ادامه حیات ملت یهود اعم از یهودیان مقیم اسرائیل یا دیاسپورا بوده، خطر تشدید یهودستیزی را نیز در بر دارد.

آقای یعقوب رابکین، استاد مشهور دانشگاه سالیان سال از عمر خود را در این آکادمی و جاهای دیگر صرف تحقیق در مورد سنن و رفتار پیام‌آوران و دانشمندان یهود در رابطه بین جهان‌وطنی و ملی‌گرایی، یهودی و غیریهودی، جنگ و صلح، و همچنین مسئله تصرف و تملک سرزمین مقدس نموده‌اند.

نویسنده در تحلیل‌های خود در این کتاب، یک درک عمیق و وسیع از تاریخ و علوم سیاسی نیز داخل نموده است. ایشان نقطه‌نظرات دانشمندان دینی یهود - که عقیده به

۱. این مقدمه فقط در چاپ فرانسه وجود دارد.

۲. رئیس آکادمی یهودشناسی بیت‌المقدس.

برتری تعلیم دینی از تورات نسبت به ملی‌گرایی امروزی دارند – را نیز ارائه داده است. من امیدوارم که ارائه این نقطه‌نظرات بتواند نه تنها موجب سستی پایه‌های یهودستیزی شده، بلکه راهی نیز به سمت تأمین امنیت و صلح در خاورمیانه نشان دهد.

مقدمه مترجم

بارها این سؤال در ذهن من خلجان می‌کرد که در کشور اسرائیل چگونه دین و دولت گرد هم آمده‌اند؟ آیا دولتی که به پایتختی تل‌آویو و اخیراً بیت‌المقدس از سال ۱۹۴۸ اعلام استقلال نموده، یک حکومت دینی است یا حکومتی سکولار و لائیک است؟ تعارضات بین دین و حکومت چگونه در این کشور حل‌وفصل می‌شود و نهایتاً آیا با محوریت دین اداره کشور تضمین می‌شود یا عقل‌محوری و مصلحت‌گرایی فارغ از مذهب، محوریت دارد؟ هرچند بعضاً به مناسبت شرکت در سمینارها با نمایندگانی از کشور اسرائیل هم برخورد می‌کردم ولی فرصت این سؤال فراهم نمی‌آمد تا اینکه به مناسبت شرکت در سمیناری در مونترال کانادا، با آقای رابکین آشنا شدم و سؤالم را از وی پرسیدم و ضمن پاسخ وی، متوجه شدم ایشان کتابی به زبان فرانسه تحت این عنوان:

Au nom de la Torah, une histoire de l'opposition Juive au sionisme

به رشته تحریر درآورده است. با مطالعه اجمالی این کتاب، نسبت به ترجمه متن فرانسوی آن علاقه‌مند شدم که در حین ترجمه متوجه شدم، ایشان شخصاً کتاب خود را به زبان انگلیسی تحت عنوان:

A threat from within: a century of Jewish opposition to zionism

به معنای «تهدیدی از درون، یک قرن مبارزه یهود علیه صهیونیسم» برگردانده است. از این رو متن انگلیسی را در ادامه ترجمه مبنا قرار داده و اکنون نتیجه این تلاش را در دسترس دارید. نویسنده در مقام مخالفت با صهیونیسم، از تعالیم دین یهود بهره جسته و

به آن‌ها استناد نموده و معتقد است آزارهایی که یهود در طول تاریخ تحمل نموده و از جمله هولوکاست، نتیجهٔ مهجور گذاشتن تورات می‌باشد و از این رو اسم کتاب خود را در نسخهٔ فرانسوی، «به نام تورات...» گذاشته است. وی ایجاد صهیونیسم را توطئه‌ای انگلیسی در جهت برهم زدن همزیستی مسالمت‌آمیز سه مذهب آسمانی در سرزمین مقدس، در طول تاریخ دانسته است.

عبدالرسول دیانی

۱۳۸۸

مقدمه نویسنده

هرگز کلام حقیقت جاری بر زبان مرا محو مساز زیرا
من در انتظار داوری‌های تو هستم.
(کتاب مزامیر، ۴۳: ۱۱۹)

سوزاندن مدارس یهودیان در فرانسه و بلژیک، حمله به کنیسه‌ها در ترکیه و تونس، تنها برخی از تبعات مناقشه اسرائیل و فلسطینیان بوده که از یک قرن پیش تاکنون به صورت التیام‌ناپذیری درآمده است. باید پرسید حملات به اهداف یهودیان غیرساکن (دیاسپورا)^۱ در اسرائیل، چرا صورت می‌گیرد؟ چه دلیلی وجود دارد که اطفال یهودیان حسیدی^۲ در آنتورپ بلژیک و کان فرانسه قربانی شده در حملات تروریستی، باید تاوان اعمال سربازان اسرائیلی در جنین و رام‌الله را پس بدهند؟
پیوند کل یهودیان دنیا با دولت اسرائیل، ساده و تقریباً طبیعی است. هیچ کس یهودیان

۱. Diaspora واژه دیاسپورا در اصل به یهودیانی اطلاق می‌گردد که پس از اسارت در بابل در گوشه و کنار جهان پراکنده شدند و قادر به بازگشت به کشور نبودند. در این کتاب، واژه مزبور به معنای یهودیان خارج از اسرائیل به کار می‌رود برخی عبارت «دیاسپورای اسرائیلی» را در مورد یهودیانی که از اسرائیل به آمریکا و اروپا مهاجرت می‌کنند به کار می‌برند که چنین استعمالی خشم دولت اسرائیل را برانگیخته است - م.
۲. Hasidic برای معنای این واژه و همچنین سایر واژه‌هایی که به صورت ایتالیک نوشته شده‌اند به آخر کتاب در قسمت شرح اصطلاحات مراجعه کنید.

دیاسپورا را نسبت به این دولت بیگانه نمی‌بیند. نهایتاً آن‌ها را به‌عنوان شهروندان اسرائیل تلقی می‌کنند که در خارج از اسرائیل در فرانسه و یا کشور دیگر اقامت دارند. این تفسیر خیلی برای یهودستیزان گران است که فکر می‌کنند یک نوع تبانی آشکار جهانی بین تمامی یهودیان دنیا وجود دارد. صهیونیست‌ها نیز با پیوند اتوماتیک بین دولت اسرائیل و یهودیان بیگانه نیستند، زیرا آنان از بدو تشکیل این جنبش سیاسی در یک قرن پیش، همیشه خود را طلایه‌دار همه قوم یهود تلقی می‌کرده‌اند. گروهی با صراحت اعلام داشته‌اند هرگونه تهدید برای دولت اسرائیل، تهدیدی برای موجودیت کل یهودیان دنیا است. بدین ترتیب، دولت اسرائیل، هم در نقش تضمین‌کننده منافع یهودیت، و هم پیش‌قراول آن‌ها محسوب می‌شود. باری، واقعیت خیلی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

بدین ترتیب، در حاشیه تظاهرات بسیار بزرگی که در دفاع از اسرائیل به مناسبت روز استقلال این کشور در مرکز شهر مونترال برگزار شده بود، یهودیان خریدی^۱ با قبا و کلاه دوری سیاه، پلاکاردها و اطلاعیه‌های مجادله‌آمیزی را توزیع می‌کردند که بر آن‌ها نوشته بود «ما جراحی خون‌آشام‌گونه صهیونیسم را باید متوقف کنید» و «رؤیای صهیونیسم به کابوس مبدل می‌شود» و «صهیونیسم، ضدیهودیت است».

روی یکی دیگر از این اعلامیه‌های توزیع شده می‌خوانیم:

فساد و تباهی درونی که صهیونیسم در روح یهودیت تزریق کرده، از استثمار، کشتن و دفن تورات هم بدتر است. این امر عمیقاً کیان و هویت یهود را لکه‌دار نموده است. صهیونیسم، تعریف ملی‌گرایانه و قومی از هویت یهود را جایگزین اعتقاد عمومی این قوم از هویت الهی مردم ما در تورات نموده است. صهیونیسم برای یهود چنین وانمود کرده است که تبعید را نتیجه ضعف نیروی نظامی ببینند و بدین ترتیب، مفهوم مذهبی تبعید که نتیجه عذاب الهی ناشی از تخلف از دستورات الهی بوده، را نابود نموده است. صهیونیسم بذر سرافکندگی و شرمساری را در بین یهودیان اعم از ساکنان در اسرائیل و امریکا با تبدیل کردن ما به جالوتِ ستمگر پاشیده است. صهیونیسم از ظلم و فساد برای طرفداران خود، قانون ساخته است.

برای این است که این پنجمین روز ماه ایار (تاریخ اعلام استقلال دولت اسرائیل

طبق تقویم یهودی)، روز درد جانکاه نه تنها برای مردم یهود که برای کل بشریت محسوب می شود (ناطوری کارتا^۱، ۲۰۰۱).

تظاهرکنندگان طرفدار اسرائیل، این گروه را متهم به خیانت کردند و گروهی دیگر می گفتند «این ها یهودی واقعی نیستند». عده ای دیگر درصدد پاره کردن پلاکاردهای آن ها برآمدند. در نهایت، پلیس ضد شورش مأموریت یافت بین دو گروه از یهودیان درگیر، خط حائل ایجاد کند. مشابه چنین صحنه هایی به طور همزمان در نیویورک و لندن و بیت المقدس نیز تکرار شد.

این وقایع محلی، بیانگر بروز پدیده ای نو در میان یهود است که نه تنها در خود یهود، که در میان غیریهودیان نیز کمتر مورد شناخت قرار گرفته است. این پدیده، همان طرد و نفی صهیونیسم، به نام تورات است. این نفی و طرد، معنای ویژه خود را دارد و در هیچ صورتی نمی تواند عنوان یهودستیزی به خود بگیرد؛ امری که درست برعکس تلاش اخیری است که سعی می شود هرگونه ضدیت را با صهیونیست به معنای ضدیت با قوم یهود جلوه دهد. ممکن است به نظر آید که آرا عمومی با این پدیده به مخالفت برمی خیزند. با این حال، پیوندی که عموم مردم بین دولت اسرائیل و یهودیان جهان برقرار می سازند، یک پیوند خودبه خودی^۲ است. روزنامه ها مرتب از دولت اسرائیل یا دولت عبرانی سخن به میان می آورند. سیاستمداران اسرائیل معمولاً خود را سخنگوی ملت یهود دانسته و به نام ملت یهود سخن آغاز می کنند. جنبش صهیونیسم و به دنبال آن تأسیس دولت اسرائیل، یکی از بزرگ ترین شکاف ها را در تاریخ یهود به وجود آورده اند. تعداد زیادی از افرادی که حافظ و مفسر سنت های یهود هستند، از همان ابتدا با طرح جامعه ای جدید، مفهوم جدیدی از یهود، مهاجرت دسته جمعی به سرزمین مقدس، و توسل به زور برای ایجاد یک حاکمیت سیاسی در آنجا، مخالف بودند.

در حقیقت، هم روشنفکران صهیونیست و هم حاخام های سنتی^۳ که با آن مخالفت کرده اند، متفق القولند که صهیونیسم، سنن قوم یهود را به فراموشی سپرده است. ژوزف

1. Neturei Karta

2. Automatically

3. Rabbe

سالمون متخصص اسرائیلی تاریخ صهیونیسم می‌گوید:

صهیونیسم بدترین تهدید را بنا نهاده است زیرا درصدد سرقت تمامی میراث جامعه سنتی یهود، اعم از یهودیان دیاسپورا و یهودیان مستقر در ارض مقدس بوده و اینکه او را از موضوع انتظار منجی آسمانی و مسیح‌باوری، محروم سازد. صهیونیسم تمامی سنت‌های یهود را به چالش طلبیده است: در خصوص ارائه یک هویت امروزی و ملی برای یهود، در تبعیت جامعه سنتی از شیوه‌های زندگی جدید، در شیوه برخورد خود با مفاهیم مذهبی دیاسپورا و نجات توسط منجی الهی. تهدید صهیونیستی به همه جوامع یهودی سرایت پیدا کرده است. این تهدید مهارنشدنی و فزاینده بوده، و نمی‌توانسته‌ایم با آن مقابله کنیم جز اینکه بدون هیچ‌گونه سازشی، طرد شویم (یوسف سالمون: ۱۹۹۸، ۲۵).

کتاب حاضر به ارائه تاریخی از این مقاومت در قبال تهدید صهیونیسم به‌عنوان یک جریان روبرو و مهارنشدنی پرداخته و روزه‌ای به رفتار زورمندانه و مستمر هواداران صهیونیسم - که آن‌ها به‌نوبه خود آن را بی‌حرمتی می‌پندارند - باز می‌کند. مخالفین و منتقدین صهیونیسم - که در این کتاب سخن از آن‌ها می‌رود - همان یهودیان با پالتوی مخصوص یهودی می‌باشند. تمام کسانی که مخالفت خود را با استدلال‌های مذهبی منطبق بر آیین یهود توجیه می‌کنند، جزء این گروه‌اند: از حسیدی‌ها و میتناگدیم‌ها^۱ گرفته تا یهودیان آزادی‌خواه و آن‌ها که ارتدوکس‌های مدرن لقب گرفته‌اند، اسرائیلی‌ها و یهودیان دیاسپورا، حتی یهودیان ملی - مذهبی که به‌تدریج نسبت به عقاید صهیونیستی خود مردد شده‌اند. این کتاب همچنین می‌خواهد بگوید که دلیل و وجه اشتراک همه مخالفتش با عقاید صهیونیست‌ها، وفاداری و تعهد نسبت به تورات می‌باشد. این تعهد در مقابل تورات، بدین معنا است که عموماً همان مقامات حاخامی این مخالفت را با جنبه‌های متعدد اصول مسلم صهیونیسم، که فکر می‌کنند تزلزل‌ناپذیر است، مطرح ساخته‌اند. امری که مروجین و طرف‌داران این کتاب را از تمامی دیگر منتقدین صهیونیسم ممتاز می‌سازد، همان محوریت‌بخشی به اهتمام در تبعیت از دستورات تورات مقدس است و اینکه دولت اسرائیل و صهیونیسم را از نقطه‌نظر تورات مورد مطالعه قرار داده و اینکه با آن‌ها به نام پاسداری از تعالیم تورات، به مخالفت برخیزند.

مواضعی که در این کتاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، عموماً همان مواضعی است که توسط حاخام‌ها اتخاذ شده است. در تعالیم عملی یهود حاخام لزوماً یک مقام و مرتبه دینی یا شغل به حساب نمی‌آید، بلکه عنوانی است که به دانشمند مطالعات تورات مقدس اعطا می‌گردد. از طرف دیگر، بزرگ‌ترین مشخصه یهودیت که تنوع آرا و عقاید آن‌ها باشد، به‌خصوص از دو قرن گذشته، و همچنین پراکندگی نهادینه شده این قوم، نیاز به بررسی عقاید تقریباً مشابه، ولی سرچشمه گرفته از جریانات فکری متفاوت در یهود را با خطر پیچیدگی زایدالوصفی مواجه ساخته است. درعین حال، باید به‌وجود نوعی ثبات در چارچوب مفهومی که ویژگی سخنرانی‌های حاخام‌ها است، اشاره نمود.

سنت یهودی عشق و احترام به دیگری را به‌عنوان تنها شیوه اصلاح رفتار دیگری توصیه می‌کند. اما طرد صهیونیسم، معمولاً به‌عنوان خیانت به مرام و کیان یهود تفسیر شده است. حاخام‌های کنیسه آزاد یهود^۱ در لندن این شعار را همیشه سر می‌دهند که «ما باید بین تبعیت از قوم خود و انقیاد از دستورات الهی یکی را برگزینیم. آیا پیامبران قوم خود را دوست ندارند؟ بالاین حال، آن‌ها رهبران را مورد حمله قرار داده‌اند. آیا کسی می‌تواند مدعی شود که تاحال از ارمیای پیامبر قوم خود را بیشتر دوست داشته است؟ باری، او گناهان خود را سرزنش می‌کرد و - به‌خصوص برای همین دلیل - خیلی بااشتیاق و جدیت این کار را انجام می‌داده. در حقیقت، منتقدین صهیونیسم بیشتر اوقات به‌گونه‌ای راه افراط پیموده‌اند که تا حد شیطانی قلمدادکردن صهیونیسم و دولتی که از آن منتج شده، پیش رفته‌اند.

آن‌ها در بین یهودیان پرهیزکار که آشکارا از صهیونیسم انتقاد می‌کنند، این کار را از روی اعتقاد انجام می‌دهند یعنی معتقدند تعالیم یهود به آن‌ها امر فرموده با آن‌ها به مخالفت برخیزند. دراین رابطه، دو تعهد را تورات مقدس بر آن‌ها الزام‌آور می‌نماید: اولین تعهد این است که مانع از سوءاستفاده از نام خداوند شوند. باید یادآوری نمود که دولت اسرائیل اغلب مدعی ایفای وظیفه از طرف همه یهودیان و حتی به نام یهودیت است. این یهودیان مجبورند برای همه مردم و به‌خصوص برای غیریهودیان توضیح دهند که این ادعا را متقلبانه می‌پندارند. دومین تعهد از اصل حفظ حیات انسانی ناشی می‌شود، آن‌ها با برجسته کردن مسئله طرد صهیونیسم توسط یهودیت، امیدوارند بتوانند یهودیان را از

جنونی که به نظر آن‌ها دولت اسرائیل در بین ملت‌ها برمی‌انگیزد، بازدارند. آن‌ها در نظر دارند از اینکه یهودیان جهان گروگان سیاست‌های اسرائیل و عواقب شوم آن‌ها شوند، ممانعت به عمل آورند. آن‌ها اصرار دارند دولت اسرائیل به عنوان دولت صهیونیستی شناخته شود نه دولت یهود و یا دولت عبرانی.

این تمایز روند تاریخی قوم یهود از سرنوشت دولت اسرائیل، به مجموعه مسائلی مربوط می‌شود که البته، حدود تاریخ یهود را درمی‌نوردد. تعریفی از هویت، به عنوان تفکیکی از ارکان حکومتی ارتباطی همیشگی با زندگی میلیون‌ها انسان دارد. یهودیان به جهانیان ثابت کرده‌اند چگونه یک امت می‌تواند هویت خود را در طول دو هزار سال - با وجود شرایط بسیار بد که بعضاً تا حد به مخاطره افتادن حیات مادی آن‌ها هم پیش رفته - حفظ کند. آیا موفقیت صهیونیسم و ایجاد دولت اسرائیل چنان قوم یهود را متحول نموده که به مرحله‌ای برسند که تاریخ واحد خود را خاتمه دهند؟ آیا اسرائیل هنوز هم بر وفق ارزش‌هایی که سنت یهود بر آن استوار شده است، یهودی محسوب می‌شود؟



بعد از ارائه یک شمای مختصر از تاریخ صهیونیسم (در فصل اول) و استحالتهایی که در کیان یهود به وجود آمده (فصل دوم)، در فصل سوم به ارائه تحلیلی از رابطه با سرزمین اسرائیل که سنت یهود آن را اعلام می‌کند و آنچه پایه و اساس تفکر صهیونیست را تشکیل می‌دهد، پرداخته‌ام. مشروعیت‌بخشی یهود به توسل به زور را با آرمان‌ها و واقعیت‌های موجود و اساس تفکر صهیونیست در سرزمین اسرائیل به ارزیابی گرفته خواهد شد. تسلط‌طلبی سیاسی و برتری‌جویی اقتصادی که صهیونیست‌ها در نیمه اول قرن بیستم میلادی بنیان نهاده‌اند و نیز اعلام استقلال دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م. اعلام منازعات جدید به یهودیان عامل به دستورات دین یهودی می‌باشد. آیا همکاری با سازمان‌های صهیونیستی مشروع است؟ آیا می‌توان این دولت را به رسمیت شناخت و در حفظ این موجودیت جدید مشارکت نمود؟ فصل پنجم یک گریز اجمالی و یک تحلیل در خصوص تفاوت‌های مواضع اتخاذ شده حول محور مشارکت با این دولت ارائه می‌دهد.

دولت اسرائیل در سایه قتل عام جهانی دوم (شواه)^۱ که هیچ‌گاه از وجدان عمومی

۱. ایشان از قتل عام جنگ دوم جهانی تعبیر به شواه (Shoah) نموده است که ظاهراً یک اصطلاح عبری است و

و حتی حیات سیاسی اسرائیل کنار گذاشته نشده، موجودیت یافت. فصل ششم این کتاب به بیان تناقضاتی که، از یک طرف، جایگاهی که این قتل عام در ایدئولوژی صهیونیسم به خود اختصاص داده، و از طرف دیگر، درس هایی که حاخام های متعدد از نام گذاری مجدد هولوکاست و رابطه آن با صهیونیسم می گیرند، می پردازد. احساسات امروزی بدون شک از تلقی حاخامی از هولوکاست به عنوان یک تراژدی که همه یهودیان را به توبه از گناهان ارتكابی شان وامی دارد - به خصوص در حمایت از صهیونیسم که، طبق گفته برخی حاخام ها، به طور مستقیم محرک هولوکاست بوده است جریحه دار می شود. فصل هفتم چند دیدگاه انتقادی از نقش دولت اسرائیل در تداوم یهود، در پروژه مسیحایی از رستاخیز و در تشدید احساسات یهود - ستیزی جدید داشته، ارائه می دهد.

تنوع آرا و مواضع که مشخصه یهود در طول دو قرن گذشته بوده و اینکه این کتاب درصدد روشن سازی آن است، باید تمایز بین یهودیت و صهیونیست را به درستی واضح نماید و باید عقاید و اسطوره هایی که موجب استحکام یهود - ستیزی می شود را سست کند.

در بین یهودیان نیز از همین تعبیر استفاده می شود ولی ما از این پس از واژه هولوکاست استفاده می کنیم که بیشتر مصطلح شده است. هولوکاست Holocauste در زبان یونانی از واژه هولوس (Holos) و (Kastos) گرفته شده که اولی به معنای همه و دومی به معنای سوخته شده یا قربانی شده می باشد. بنابراین، هولوکاست به معنای همه سوزی می باشد که به خصوص به قتل عام ادعایی یهودیان توسط آلمان نازی اطلاق می گردد (از دایرةالمعارف لاروس) - م.